



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۱۶

اختر محمد یوسفی

تأمین صلح بدون اتحاد ملی حقیقی ناممکن است

عدم موجودیت دولت واحد مرکزی و نبود اتحاد ملی حقیقی عامل اساسی داخلی بحران‌هاست پی در پی جنگ و خونریزی در افغانستان می باشد. برای تأمین صلح واقعی و پایدار اتحاد ملی حقیقی شرط ضروری پنداشته می شود. موجودیت اتحاد ملی حقیقی در شکل سیاسی دولت واحد مرکزی بوجود می آید. حضور میخانیکی اجیران بیگانه اقوام با در نظر داشت اعتقادات مذهبی در کشور اتحاد ملی حقیقی نیست .

برخی از مشکلات اساسی موجود افغانستان کنونی ناشی از وجود میخانیکی اجیران بیگانه بنام نماینده گان اقوام شریف و پیروان مؤمن مذهبی کشور باعث ایجاد حلقات موازی متخاصم در درون "دولت" افغانستان گردیده است. دولت سیاسی واحد که بر مبنای اتحاد ملی حقیقی اتباع کشور در افغانستان وجود ندارد، وجود میخانیکی اجیران بیگانه بنام نماینده گان اقوام شریف و پیروان مؤمن مذهبی کشور یکی از موانع اساسی در راه تأمین صلح واقعی و فراهم آوری عدالت اجتماعی در افغانستان می باشد که عوامل داخلی جنگ و تداوم بحران‌هاست پی در پی جنگ و خونریزی را در کشور تعمیل مینمایند.

ساختار سیاسی دولت واحد ملی حقیقی از تجمع و با آغوش کشیدن میخانیکی شرارت پیشگان اجیر اقوام و پیروان مذاهب در افغانستان بوجود آمده نمی تواند .

ساختار سیاسی دولت واحد ملی حقیقی مبحث بسیار وسیع و قابل بحث عمیق است که بررسی همه جانبه آن تحقیقات فراوان را ایجاب میکنند. من در این یادداشت مختصر تنها در باره چند دهه پرماجرایی جاری اخیر در افغانستان با برخی جوانب جاری مهم آن دور از تمایلات ایدئولوژیک طرفین فشرده نظر و چشم دید خود را بصورت کوتاه می نویسم.

گیلنز "«ناسیونالیزم» را مقدم بر همه، به عنوان اصول سیاسی می شناسد، این بدین معنی است که وحدت سیاسی و ملی، مستلزم انطباق بر یکدیگر می باشد.» او به ادامه این توضیح می دارد که "ملت گرایی بمثابة احساس - یا جنبش - می گذارد بکمک همین اصول و پرنسیپ ها تعریف شود. احساس ملی، احساس قهر و غضب است که در حالت جریحه دار شدن این پرنسیپ ها و اصول تبارز می کند و یا احساس رضایت است، که در حالت تحقق پرنسیپ بروز می کند." در عین حال با گذشت زمان، ارزش های معین، و شرایط جدید زندگی اجتماعی و کلتوری، تصورات را هم نسبت به این "هویت" تغییر می دهد. بهر صورت، یک جنبش "ملت گرایی" بوسیله همچو احساس سوق داده می شود.

سوال اساسی اینست که آیا موجودیت اتحاد ملی حقیقی در تأمین صلح واقعی با قطع خونریزی و جنگ در افغانستان ضروری و ممکن می باشد؟

بلی جواب روشن است، برای قطع جنگ و تأمین صلح پایدار اتحاد حقیقی اقوام شریف و پیروان مذاهب که در یک ساختار سیاسی واحد دولتی تبارز می نمایند ضروری و حتمی شمرده می شود. تجموعات میخانیکی کنونی بنام اقوام و پیروان مذاهب که در اصل ترکیب از شرارت پیشه گانی حرفوی اند، بدون در نظر داشت حفظ منافع ملی برای غارت و چپاول در افغانستان دور هم جمع شده اند دولت ملی شمرده نمی شود.

جامعه افغانستان همانند سایر اجتماعات بشری در جهان همسان بوده و زندگی اجتماعی مردم افغانستان خارج از قوانین عام و باهمی انسان ها جداگانه تشکیل نگردیده است .

آنچه که بر اسناد و عملکرد در تجارب سه دهه اخیر "دولت" روشن و ثابت گردیده است، تلاشهای اجیران داخلی همرا با مداخلات بیشرمانه همسایه های افغانستان ایران و پاکستان بوده با حمایت کشور های غربی نمایان است.

در طی دو دهه اخیر با حضور نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو در افغانستان با موجودیت توپها و طیارات گول پیکر تجارت تلخ شکست ها را دیده اند، حکمروایان برای تحقق اهداف منافع شخصی و گروهی شان در کشور ما بحضور خود ادامه داده اند. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو در افغانستان مانع تأمین صلح و منافع ملی یک ملت گردیده است. حضور نظامی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو در افغانستان منافع همگانی را تمام اتباع و قربانیان حقیقی جنگ را در افغانستان زیر پا گذاشته اند.

"دولت" فاسد و اجیران بیگانه که با حمایت مستقیم خارجی در افغانستان به حکمروایی خویش را در قالب تعصبات قومی و تفرقه های مذهب ادامه میدهند، سد راه احقاق حقوق اکثریت اتباع افغانستان و تأمین صلح و قطع جنگ در کشور گردیده است .

هرگاه گاهی هم فشارهای ضروری عینی و نیازمندیهای مبرم مردم مظلوم افغانستان برای تأمین حق صلح واقعی و ایجاد دولت سیاسی به معنی واقعی آن تبارز می نماید، همان ساختارهای موازی جنایتکاران جنگی و مفسدین غارتگر که در درون ساختار "دولت" بر اساس اتحاد میخانیکی شرارت پیشگان از نام اقوام و پیروان مذاهب بوجود آمده اند، مانع تأمین صلح واقعی و پایدار در کشور میگردند. ساختارهای موازی جنایتکاران جنگی و مفسدین غارتگر هستند که جنگ و خونریزی وحشیانه را در افغانستان بیش از پیش بشدت آن ادامه میدهند .

دشمنان خارجی و اجیران داخلی افغانستان در سه دهه اخیر بخصوص بعد از فیصله های کنفرانس بن آلمان در ماه دسامبر 2001 میلادی برای تحقق اهداف شوم عمداً از ایجاد دولت سیاسی ملی واحد در افغانستان جلوگیری نمودند. دشمنان خارجی مردم افغانستان بکمک اجیران داخلی در عوض دولت سیاسی ملی واحد در افغانستان تجمع میخانیکی شرارت پیشگان را بنام اقوام و پیروان مذاهب در افغانستان که ترکیب از جنایتکاران جنگی و مفسدین غارتگر می باشد بوجود آوردند. این ساختارها حلقهات موازی در "دولت" را بوجود آوردند و برای فریب مردم نام آنرا "دولت" نهادند. ساختارهای موازی در درون "دولت" نام نهاد خود یکی از عوامل اساس تشکل تداوم خونریزی و جنگ بیگانگان در افغانستان می باشد .

دسته جنگی طالبان تحت اوامر آی. اس. آی. پاکستان و شرارت پیشگان چون عبدالرشید دوستم، قوماندان "جهادی" و تشکیلات فرقه بنام "حزب وحدت" که از حمایت ایران، ترکیه و روسیه برخوردار هستند برای تداوم جنگ در افغانستان دو روی یک سکه میباشند .

مردم مظلوم و بی دفاع کشور این تلمس جادوگری دستگاه های استخباراتی دشمنان را بخوبی میدانند که گروههای جنگی طالبان از حمایت پاکستان و اعراب بشمول آقاعده برخوردار هستند حلقهات موازی در "دولت" ترکیب از جنگ سالاران مانند عبدالرسید دوستم، قوماندانان شورای نظار و "حزب وحدت" در عقب پرده های سیاه تاریک هر دو جبهه در ظاهر متضاد، پشتیبانی غرب را نیز باخود دارند .

در وضعیت بحرانی کشور ما، صریحاً محسوس است، که افراد و حلقهات معلوم الهویت، صریحاً "هویت ملی" تعریف شده را با "هویت قومی" که با "نسب" و "نژاد" نیز، پیوند می داشته باشد، اشتباه می کنند. در "هویت ملی" فقط، مشخصات معین با حقوق و مکلفیت های یک "شهروند" یک کشور "مُدرن" در قانون اساسی آن تعریف می گردد، که از جانب "شهروندان" و یا "اتباع دولت"، فقط همان مکلفیت و حقوق منحصبت یک امریه قانونی برسمیت شناخته می شود. به عبارت دیگر از آن قانون اطاعت صورت می گیرد. در چنین یک "هویت" ریشه "نژادی" و سایر مشخصات فردی ربطی ندارد. "هویت ملی"، به مفهوم تعریف شخصیت "شهروند" و معرفت منشاء اینتیک آن، نیست .

بنس استولتنبرگ دبیرکل ناتو در دیدار با اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ گفت در صورتی که گروه طالبان "اراده واقعی و توانایی کاهش خشونت" را نشان دهد ناتو هم آمده است سطح نیروهایش در افغانستان را کاهش دهد .

دلایل و اسناد فراوان وجود دارد که تلاشهای مذاکرات کنونی ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو بشمول "دولت" و بقایای "جهادی" با طالبان به صلح پایدار و قطع جنگ در افغانستان نمی انجامند .

دولت وحدت ملی دارای ماهیت سیاسی و عملکرد دولتی براساس خدمات همگانی و عامه نمایان میگردد، دولت وحدت ملی دارای ماهیت سیاسی در تجمع میخانیکی افراد و اقوام شرارت پیشه افغانستان تمثیل شده نمی توانند . بوجود آمدن دولت فاسد کنونی در سه دهه اخیر که براساس تجمع میخانیکی اقوام و سهمیه بندی کمی جنایتکاران جنگی توسط خارجیها بوجود آمده است، چنین "دولت" هیچگاهی ممثل دولت وحدت ملی حقیقی که دارای ماهیت سیاسی ملی در افغانستان باشد شده نمی تواند .

برای اثبات نتیجه گیری فوق دلایل علمی و شواهد مستند عملی وجود دارد که در شرایط کنونی با شیوه های پیشبرد مذاکرات یکجانبه ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو تأمین صلح پایدار، قطع جنگ و خونریزی در افغانستان ناممکن است .

اولاً : طالبان در مذاکرات "صلح" با ایالات متحده آمریکا و متحدین ناتو دارای ساختار حقیقی و حقوقی برای صلح نه می باشد. طالبان در مذاکرات "صلح" صلاحیت نماینده گی حل و فصل مسایل قربانیان واقعی جنگ در

افغانستان را ندارند. طالبان بحیث آله دست دشمنان مردم افغانستان و قاتلین علنی مردم مظلوم و بی دفاع کشور هستند .

هیچ قاتل نمی تواند از حقوق مقتول دفاع برای تأمین عدالت نماینده گی نماید. طالبان به هیچ صورت در مذاکرات کنونی با ایالات متحده امریکا از مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان نماینده گی کرده نمیتوانند. بناً در مذاکرات جاری ایالات متحده امریکا و متحدین ناتو با طالبان طرف با صلاحیت حقوقی نماینده گی حقیقی وجود ندارد. مذاکرات کنونی ایالات متحده امریکا با طالبان مذاکرات غیرقانونی شمرده می شود و رسیدن به صلح و تأمین عدالت در مورد قرنیان واقعی جنگ در افغانستان ناممکن است .

ثانیاً " : دولت " فاسد کنونی افغانستان و دسته های " جهادی " که مرتکبین چهار دهه جنایات جنگی در کشور بودند بعد از امضا توافقنامه قریب الوقوع ایالات متحده امریکا با طالبان مذاکرات " صلح " را با طالبان آغاز خواهند کردند نیز در قتل، غارت و فساد بالای مردم کشور مسؤلیت دارند. "دولت" کنونی نیز بخش از مجرمین جنگ در افغانستان بوده اند. "دولت" کنونی افغانستان نمی تواند از قربانیان اصلی جنگ در افغانستان نماینده گی کند. دولت کنونی خود به بوجی مخلوط کشمش نخود میماند که بر اساس ساختار فیصله های ناکام کنفرانس بن المان پایه گذاری شده است. خود معماران کنفرانس بن المان بارها با این حقایق اعتراف نموده اند که این ساختار مخلوط کشمش نخود کنفرانس بن المان یکی از فاسدترین نوع " دولت " در جهان است .

پس ریشه های اساسی این همه مشکلات جنگ و خونریزی در افغانستان بر ساس اسناد انکار ناپذیر در ساختار "دولت" کنونی و مداخلات معماران خارجی آن نهفته است .

تلاشهای کنونی مذاکرات غیرقانونی ایالات متحده امریکا با طالبان برای تأمین صلح و قطع جنگ در افغانستان بی نتیجه می باشد، این مذاکرات، جنگ و خونریزی را در افغانستان بیشتر دوامدار و تشدید نموده است، هنوز توافقنامه مذاکرات غیرقانونی ایالات متحده امریکا با طالبان امضا نشده است، که عبدالرشید دوستم از تریبون شرارت پیشگان بنام اقوام و پیروان مذاهب در افغانستان برای ایجاد "دولت" موازی آماده گی خود را اعلان کرده اند. این اعلان بذات خود صریحاً آغاز دور بعدی یک جنگ تمام عیار در افغانستان میباشد .

افغانستان راه کلخ گذاشتن در آب بنام "صلح" را با تجاوز نظامی شوروی ها در طی سالهای 1980 و اوایل 1990 میلادی بعد از ده سال حضور نظامی و جنگ در کشور شان تجربه کرده اند. شوروی ها نیز چه در هنگام حضور نظامی و جنگ و چه در نتیجه فرار از کشور، افغانستان را به ویرانه تبدیل کردند .

برای تأمین صلح واقعی و قطع جنگ در افغانستان راه دوم و سوم درست وجود ندارد. مذاکرات غیر قانونی ایالات متحده امریکا با طالبان درحقیقت تکرار کلخ گذاشتن در آب توسط امریکا مطابق سناریو پاکستان است. امریکا میخواهد خودش را مصون از خطر جنگ با کلخ گذاشتن در آب عبور دهد. حاکمیت طالبان در "دولت" موجود افغانستان به معنی حضور مستقیم پاکستان در افغانستان است .

یگانه راه تأمین صلح واقعی و پایدار بحیث معقول ترین الترنیٹف واقعی و حقوقی برای قطع جنگ و تأمین صلح در افغانستان وجود دارد، و آن راه حل قانونی و حقوقی اشتراک قرنیان حقیقی جنگ افغانستان با نمایندگان واقعی اکثریت مردم کشور در مذاکرات صلح می باشد. مذاکرات صلح واقعی افغانستان باید خارج از اشتراک جنایتکاران جنگی و مفسدین غارتگر "سیاسی" چها دهه جنگ در کشور باشد، قرنیان حقیقی جنگ افغانستان با نمایندگان واقعی اکثریت مردم کشور شان بحیث طرف اصلی حقیقی و حقوقی مذاکرات صلح باید حتمی شرکت داشته باشد، چنین ترکیب حقوقی طرفین با صلاحیت می توانند قطع جنگ و عدالت را در افغانستان تأمین کند و بس .

پای